

بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان رو به توسعه باتکیه بر شاخص توسعه انسانی

دکتر صمد کلانتری*

مژده کیانی**

چکیده

کار کودکان پدیده‌ای است که در پی توسعه شهرنشینی به سرعت رو به گسترش است؛ هر چند در گذشته نیز این پدیده وجود داشته اما امروز شکل تازه‌ای پیدا کرده است. تاکنون در ایران در زمینه کار کودکان پژوهش علمی ژرفی انجام نگرفته است. این نوشتار با هدف ارائه آمارهای تطبیقی از وضع کار کودکان در کشورهای توسعه یافته و رو به توسعه و بررسی روندهای آن، از روش توصیفی و اسنادی سود جسته است.

در این نوشتار، در کنار بررسی آمارهای اشتغال و بیکاری در کشورهای صنعتی و جهان سوم، باتکیه بر داده‌های موجود در زمینه کار کودکان، به مطالعه تطبیقی میزان کار کودکان در ایران و کشورهای صنعتی و جهان سوم پرداخته شده است. این بررسی نشان می‌دهد که میلیون‌ها کودک زیر ۱۵ سال در کشورهای جهان بویژه در کشورهای جهان سوم بر اثر فقر ناگزیر از کار کردن هستند. هر چند کار کودکان در کشورهای گوناگون روندی کاهشی دارد، اما امروزه به علت دگرگونی نوع کار کودکان و برنامه‌ریزی برای کار کودکان در مشاغل پست و روسپیگری و... و پنهان نگه داشته شدن مسئله از سوی دولتها، این روند کاهشی بازننگ خطر همراه شده است. در این نوشتار رابطه کار کودکان و شاخص توسعه انسانی در جهان آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکا و چند کشور منتخب جهان سومی و پیشرفته، بررسی شده است.

* استاد دانشگاه اصفهان

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

پیشگفتار:

گسترش کار کودکان یکی از آسیب‌های خطرناک در جامعه ایران به‌شمار می‌رود و بسیاری از کودکان به علتهای گوناگون ناگزیر از گذراندن ساعاتی از روز در فضاهای کاری هستند.

کار مهم‌ترین مسئله اجتماعی و فرآیندی انسانی و اجتماعی است که با دیگر گونیهای اقتصادی-اجتماعی پیوند دارد. اشتغال و روابط کاری از مهم‌ترین مسائل جهان امروز به‌شمار می‌رود و در کشورهای جهان سوم به علت افزایش لگام گسیخته و ناگهانی جمعیت، بایدریشه‌ای‌تر و ساختاری‌تر بررسی شود، زیرا تنگدستی و نیازمندی که ریشه بسیاری از سختیها و آسیب‌های اجتماعی است، بر جوامع یاد شده سایه افکن است. اشتغال در بخش‌های صنعتی اندک و در کشاورزی به علت کمبود آب یا زمین، روش‌های ابتدایی کشت و وجود آفات گوناگون محدود است و در عمل بیشتر مردمان به کارهای خدماتی و حاشیه‌ای یا کارهای غیر رسمی مانند دست‌فروشی، قاچاق، واسطه‌گری و... روی آورده‌اند و این روند پیامدهای گوناگون برای جامعه داشته که کار کودکان یکی از آنها است.

کار کودکان مشکلی جدی در جهان امروز است. برپایه برآوردهای سازمان بین‌المللی کار (ILO)، دستکم ۱۲۰ میلیون کودک ۱۴ تا ۱۵ ساله در کشورهای رو به توسعه به کار تمام وقت و بیش از ۲۵۰ میلیون کودک به کارهای گوناگون خانگی و نیمه وقت اشتغال دارند. آسیا ۶۱٪، آفریقا ۳۲٪ و آمریکای لاتین ۷٪ از این رقم را به خود اختصاص داده‌اند.

پدیده کار کودکان در سالهای آغازین سده بیست و یکم همچنان بعنوان يك معضل جدی در بسیاری از نقاط جهان به چشم می‌خورد. پژوهشهای انجام شده در ۱۹۷۹ (سال جهانی کودک) نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ میلیون کودک زیر ۱۵ سال در شرایط بسیار زیان‌بار در زمینه‌های گوناگون کار می‌کنند. در آمد هر چند اندک این کودکان در کشورهای رو به توسعه بویژه در آمریکای لاتین، برای بقای خانواده‌شان لازم است.

در برخی کشورهای صنعتی، صنعتی شدن شرایطی برای کار کودکان پدید می‌آورد که با وضع کار در معادن و کارخانه‌های سده نوزدهم اروپا برابری می‌کند.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- جهان سوم در زمینه کار کودکان چه وضعی دارد؟
- ۲- وضع کار کودکان در کشورهای صنعتی و توسعه یافته چگونه است؟
- ۳- کودکان ایرانی در بازار کار چه جایگاهی دارند؟
- ۴- آیا رابطه‌ای معنی‌دار میان کار کودکان و میزان توسعه انسانی وجود دارد؟

نظریه اشتغال

اقتصاددانان نخستین کسانی هستند که قوانین حاکم بر اشتغال را تنظیم کرده‌اند؛ اما جامعه‌شناسان تاکنون تنها به جنبه‌های توصیفی و ناکامل اشتغال توجه کرده و تحولات متفاوت و کیفی آن را نشان داده‌اند. (توسلی: ۱۳۷۵، ۱۸۷) اقتصاددانان کلاسیک بر آن بودند که روابطی که به گونه اشتغال و حجم سرمایه‌گذاری‌ها و تولیدات موجود را ارزیابی کنند. روشن است که رابطه میان این عوامل بر قواعد معینی استوار است و با این قواعد می‌توان به تبیین عمومی اشتغال پرداخت در نتیجه برای هر تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی، چارچوب کلی به دست می‌آید.

الگوی آرتور لوییس (۱۹۵۸-۱۹۵۴) شاید شناخته شده‌ترین الگوی اشتغال باشد که پس از آن فی و رانیس (۱۹۶۴)، بیشتر به آن پرداخته‌اند. اقتصاد توسعه نیافته در

○ کار کودکان مشکلی جدی در جهان

امروز است. برپایه برآوردهای سازمان بین‌المللی کار (ILO)، دستکم ۱۲۰ میلیون کودک ۱۴ تا ۱۵ ساله در کشورهای رو به توسعه به کار تمام وقت و بیش از ۲۵۰ میلیون کودک به کارهای گوناگون خانگی و نیمه وقت اشتغال دارند. آسیا ۶۱٪، آفریقا ۳۲٪ و آمریکای لاتین ۷٪ از این رقم را به خود اختصاص داده‌اند.

رشد نیروی کار در چنین الگوهایی، گرچه بیشتر با توجه به ساخت سنتی جمعیت بر مبنای فرض ثابت یا متغیر بودن نرخ‌های مشارکت در سنین خاص محاسبه می‌شود، ولی به گونه معمول، تابعی از رشد جمعیت است. در این صورت، بیکاری عبارت خواهد بود از شکاف میان عرضه پیش‌بینی شده نیروی کار و تقاضای برآمده از شمار فرصت‌های شغلی پیش‌بینی شده.

نارسانی نگرش هارود-دومار از لحاظ مناسب بودن برای تحلیل مسائل کشورهای رو به توسعه، ناتوانی آن در تشخیص تفاوت میان بخش‌های گوناگون اقتصاد یا اهمیت انتقال نیروی کار میان آنها است. این الگوراشاید بتوان الگوی کاملتر رشد اشتغال بخش مدرن در درون چارچوب الگوی لویس دانست. در حقیقت، همان گونه که مکانیزم انتقال نیروی کار لویس را می‌توان حالت محدودتر الگوی تودارو انگاشت، مکانیزم انباشت سرمایه و گسترش اشتغال در الگوی لویس را هم می‌توان مورد ویژه‌ای از انباشت در الگوی ساده هارود-دومار دانست.

سومین برداشت موجود در تحلیل بیکاری در کشورهای رو به توسعه، نتایج نامتعادل بودن قیمت‌های عوامل را برای بهره‌برداری از منابع و تخصیص آنها، بویژه در زمینه اشتغال، مورد تأکید قرار داده است. این شیوه تحلیل اشتغال، بیشتر جزئی بوده و تنها به نامتعادل بودن قیمت‌های عوامل در ارتباط با کارگرهای بازار کار توجه فراوان داشته است، و به گونه ضمنی فرض کرده است که دیگر بخشهای اقتصاد بر پایه فرض‌های نئوکلاسیک عمل می‌کند؛ بنابراین، از تحلیل همه نتایج آن خودداری ورزیده است. بسیاری از تحلیلگران از این شیوه بهره جسته‌اند، اما شاید برجسته‌ترین ایشان اکاوس (با مقاله مشهورش در ۱۹۵۵) و نیز بلاوگ، لیسارد و وودهاال (۱۹۶۹) در تحلیل اخیرشان از بیکاری دانش‌آموختگان در هند باشند.

برداشت لویس-فی-رانیس، بر نیاز دو بخش در اقتصاد دوگانه و بررسی انتقال نیروی کار میان این دو، تأکید می‌کند. الگوی تودارو، نقطه آغازی برای تحلیل کمی این انتقال به دست می‌دهد. شیوه هارود-دومار و گسترش بعدی آن، هر چند عناصر مهمی را برای تحلیل اشتغال در بخش مدرن اقتصاد روشن می‌کند، اما آنها را در بخش سنتی به اندازه کافی روشن نمی‌سازد. در شیوه اکاوس-بلاوگ، توجه مستقیم به فرایند همسازی یا ناهمسازی موجود در بازارهای کار، چه از دید شرایط تولید و چه از دید قیمت‌های عوامل

○ میزان بیکاری در کشورهای پیشرفته کمتر از ۱۰٪ جمعیت فعال است؛ در حالی که این رقم برای کشورهای جهان سوم حتی به ۷۰٪ هم می‌رسد. زیمبابوه نرخ بیکاری ۷۰ درصدی دارد.

الگوی لویس-فی-رانیس، دو بخش دارد: بخش کشاورزی (یا بخش معیشتی) که ویژگی آن نیروی کار اضافی است؛ و بخش صنعتی (یا بخش پیشرفته) که نیروی کار از بخش کشاورزی آرام آرام به آن منتقل می‌شود. آنچه در کانون توجه این الگو قرار دارد، هم فرایند این انتقال است و هم رشد اشتغال در بخش مدرن، اما انتقال و جذب نیروی کار در بخش مدرن، با آهنگی انجام می‌گیرد که نرخ انباشت سرمایه در صنعت تعیین کننده آن است. نرخ انباشت سرمایه در بخش صنعت، به نوبه خود از راه مازاد سود نسبت به دستمزدها، با این فرض که «سرمایه داران» همه مازاد را پار دیگر سرمایه‌گذاری خواهند کرد، تعیین می‌شود. سطح دستمزدها در بخش صنعت در الگوی اصلی لویس ثابت فرض شده است، و به گونه نسبت ثابتی از سطح دستمزدهای معیشتی در بخش سنتی در نظر گرفته می‌شود. با پیشرفت انتقال نیروی کار، بیکاری یا کم‌کاری در مناطق روستایی یا افزایش اشتغال در بخش مدرن صنعتی، کاهش خواهد یافت.

دومین گونه الگوی اشتغال، نسخه بدلی است از الگوی بنیادی «هارود-دومار»، که بیشتر معطوف به رشد اشتغال است تا به رشد ستانده. این الگویی است که (خواه آشکار یا ضمنی) بیشتر چه در برنامه‌ریزی نرخ رشد اقتصادی لازم برای جذب افزوده‌شدگان به نیروی کار، چه در برآورد میزان شکاف بیکاری (اگر چنین رشدی به دست نیامده باشد) به کار می‌رود. رشد اشتغال خواه با ثابت فرض کردن ضریب‌های نیروی کار به ستانده یا با دخالت دادن فرض‌های مربوط به بهره‌زایی که ضریب ستانده به نیروی کار در آنها بیشتر در گذر زمان به شکلی مداوم و برون‌زا رشد می‌کند، فراهم می‌آید: در این صورت، رشد اشتغال تابعی خواهد بود از سطح و تحول بهره‌زایی، نرخ پس‌انداز و نسبت سرمایه به ستانده.

در زمینه اشتغال، رویکرد از تحلیل های اقتصادی متداول به تحلیل های تجربی، از چند بُعد گسترش یافته است. از بُعد مفهومی، «مسئله اشتغال» بسیار گسترش یافته و به همان اندازه که کمبود کار و به کارگیری اندک نیروی کار را در بر می گیرد، به مسئله ناداری و توزیع درآمد نیز تبدیل شده است. مسئله اشتغال، همچنین به چند بخش مانند تشخیص گونه های متفاوت بهره گیری از نیروی کار و دیدگاه های متفاوت نسبت به کار، بویژه در میان دانش آموختگان و کم سوادها تجزیه شده است. (مقالات منتخب: ۱۳۶۸: ۳۶-۲۲)

بی سازمانی اجتماعی و کار کودکان

از دیدگاه بی سازمانی اجتماعی، به بررسی یکی از مسائل در کشور یعنی پدیده کار کودکان می پردازیم. از این دیدگاه جامعه بعنوان نظامی گسترده و پیچیده در کنش متقابل با اجزای خود در نظر گرفته می شود. برای جامعه شناسان کار کردگرا، کار در ارتباط با سازمان اجتماعی امروزی مطرح شده است. دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی،

○ جوانی جمعیت، بی ثباتی اقتصادی - اجتماعی - مشکلات ساختاری جامعه، ساختار سیاسی و... از عوامل مؤثر بر بیکاری در کشورهای رو به توسعه به شمار می آید، که بستر ساز کار اجباری کودکان شده است. همگام با بالا بودن درصد بیکاری جمعیت فعال ۱۵-۶۴ ساله در کشورهای جهان سوم، میزان اشتغال به کار کودکان نیز در این کشورها در سنجش با کشورهای صنعتی بالا است. از بیش از دو بیست میلیون کودک کارگر در جهان، سهم کشورهای صنعتی تنها ۲/۵ میلیون برآورد شده است، در حالی که این رقم برای آسیا، ۱۲۷ میلیون تن است.

است. نکات ویژه ای که، دست کم در این گستره هر یک از پژوهندگان به آن توجه می کنند. بر سر هم اجزای ضروری و مکمل برای تحلیل کاملتر به شمار می آیند.

تفاوت مهم در تجربه مسئله اشتغال و تفسیر علل آن، میان مناطق و نواحی در درون کشورها است. در سیلان، بیکاری دیپلمه ها و دانش آموختگان دانشگاهی، بخش اصلی و غالب در مسئله اشتغال است (دست کم از دید سیاسی) و تفاوت های شهری - روستایی ناچیز است. در هند، بیکاری آشکار روستایی اهمیت کمتری از بیکاری فصلی دارد. اشتغال ناقص (یا کم کاری) و دیگر ابعاد مسئله بیکاری، بیشتر و جوهی از اشتغال را در بر می گیرد که فراتر از جوهی است که در الگوهای پایه بررسی می شود.

با وجود این تفاوت ها در سرشت و گستره بیکاری، شماری از عوامل مشخص شده در بسیاری از تحلیل های تجربی مشترک است. بیشتر بررسیها به شیوه های گوناگون بر مشکل دستیابی به اشتغال کامل که علت آن نرخ رشد شتابان نیروی کار بوده است تأکید دارند. کل جمعیت، جمعیت شهری و جمعیت دانش آموخته، در بیشتر کشورهای رو به توسعه با نرخ های بی سابقه در حال گسترش بوده است. رشد سالانه ۲/۵ تا ۳/۵٪ برای جمعیت، ۶ تا ۱۲٪ برای نیروی کار و ۱۰ تا ۱۵٪ برای کل دانش آموختگان (برای نمونه، دیپلمه ها و بیشتتر) شگفت انگیز نیست. حتی در بازار کار به نسبت رقابتی و انعطاف پذیر، چنین نرخ های رشدی که در بیشتر موارد بسیار بالاتر از اندازه رشد محصول است، مشکلاتی جدی در زمینه انطباق بویا پدید خواهد آورد. اگر رشد فرصت های شغلی نتواند، با رشد جمعیت همگام باشد، پیدایش بیکاری گریزناپذیر خواهد بود.

از بُعد تقاضا، تحلیل تجربی فرصت های شغلی، اهمیت بی چون و چرای ساختار اقتصادی را آشکار می کند. هر چند در الگوهای دو گانه به این ساختار اشاره شده است، اما واقعیت بسیار فراتر از یک تقسیم ساده میان بخش سنتی و مدرن است. ویژگی های ساختاری تعیین کننده در کشورهای رو به توسعه، شکل های گوناگون دارد که در چگونگی وابستگی آنها به صادرات، در نوع مالکیت زمین، در بُعد و ویژگیهای بخش دولتی و بخش خدمات کشاورزی و صنعت، و در میزان کنترل شدن آنها از سوی عوامل خارجی، آشکار است. همه این پدیده ها بر دامنه بیکاری و شتاب انطباق اقتصاد برای از میان بردن آن اثر می گذارد.

اشتغال کودکان نیز روشن می‌شود. سوئیس با ۱/۹ درصد، کمترین میزان بیکاری در جهان و زیمبابوه با ۷۰٪ بیشترین میزان بیکاری را در جهان دارد. بیشترین میزان بیکاری در کشورهای صنعتی به آلمان با ۹/۸ درصد اختصاص دارد که این میزان در سنجش با کمترین درصد بیکاری در کشورهای جهان سوم، که در تونس با ۱۵/۴٪ به چشم می‌خورد، بسیار پایین است. ایران با ۱۶/۳٪ پس از تونس قرار گرفته است. (بر پایه جدول شماره ۲)

ساختار جمعیتی یکی از عوامل اثرگذار بر تفاوت نرخ بیکاری در کشورهای صنعتی و جهان سوم است. جوانی جمعیت، بی‌ثباتی اقتصادی - اجتماعی - مشکلات ساختاری جامعه، ساختار سیاسی و... از عوامل مؤثر بر بیکاری در کشورهای رو به توسعه به‌شمار می‌آید، که بستر ساز کار اجباری کودکان شده است. همگام با بالا بودن درصد بیکاری جمعیت فعال ۱۵۶۴ ساله در کشورهای جهان سوم، میزان اشتغال به کار کودکان نیز در این کشورها در

بسیاری نکات در زمینه شرایط برقراری سازمان اجتماعی با کارکرد هنجارهای جوامع صنعتی جدید مطرح می‌سازد. از دید دورکیم، جوامع جدید، گونه تازه‌ای از انسجام اجتماعی را نشان می‌دهند، اما گستردگی آنها افزایش تنگدستی کارگران، تضادهای اجتماعی، فردگرایی زیان‌آور، پدید آمدن آتومی‌ها، و پیوندهای اجتماعی را در جهان اقتصادی تازه به همراه دارد. (خودکشی: ۱۸۹۷)

پارسونز به روابط میان مشاغل تعریف شده و نظام اجتماعی اشاره می‌کند و در چهار سطح تحلیل کنش: ارگانیك، شخصیت، اجتماعی و فرهنگی، روابط میان مشاغل و نظام اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد.

نظریه کارکردگرایی پارسونز، کار را یک گونه عالی دربرگیرنده دو عمل اساسی به شایستگی علمی و فنی و پذیرش قانون اخلاقی مشترک، تعریف می‌کند (شاپولی، ۱۹۷۳).

بیکاری در جهان

امروز، بیکاری پدیده‌ای جهانی است، اما نوع آن و همچنین میزان بیکاری در کشورهای صنعتی و جهان سوم متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته بیکاری پدیده‌ای است در اصل تصادفی و محدود به بخش‌های کم و بیش اقتصادی، در حالی که در کشورهای رو به رشد، کم اشتغالی پدیده‌ای است عمومی و مربوط به نظام اجتماعی عمومی، زیرا کمابیش بر کل جمعیت اثر می‌گذارد: از جمعیت روستایی و نیروی انسانی بی‌هرگونه مهارت و تخصص گرفته تا کارگران متخصص که شوربختانه در این کشورها کمیابند و کمابیش شان بیشتر به علت همین بیکاری است. (لاکوست: ۱۱)

توجه به تفاوت در نرخ و میزان بیکاری در جهان پیشرفته و جهان سوم، لازم است.

میزان بیکاری در کشورهای پیشرفته کمتر از ۱۰٪ جمعیت فعال است؛ در حالی که این رقم برای کشورهای جهان سوم حتی به ۷۰٪ هم می‌رسد. زیمبابوه نرخ بیکاری ۷۰ درصدی دارد. (جدول‌های ۱ و ۲).

با توجه به جدول‌های ۱ و ۲، نرخ بیکاری در کشورهای رو به توسعه ۳۰ درصد و در کشورهای توسعه یافته ۴ تا ۱۲ درصد است. با توجه به تفاوت چشمگیر میان میزان بیکاری در دو گونه ساخت اقتصادی - اجتماعی در جهان، و با بررسی میزان بیکاری بزرگسالان در این کشورها، بسترهای

جدول ۱: نرخ بیکاری در بزرگسالان کشورهای صنعتی جهان

کشور	سال	نرخ بیکاری (درصد)
استرالیا	۲۰۰۲	۶/۳
اتریش	۲۰۰۲	۴/۸
بلژیک	۲۰۰۲	۷/۲
کانادا	۲۰۰۲	۷/۶
دانمارک	۲۰۰۲	۵/۱
فرانسه	۲۰۰۲	۹/۱
آلمان	۲۰۰۲	۹/۸
ایسلند	۲۰۰۲	۲/۸
ایرلند	۲۰۰۲	۴/۳
ایتالیا	۲۰۰۲	۹/۱
ژاپن	۲۰۰۲	۵/۴
موناکو	۱۹۹۸	۳/۱
هلند	۲۰۰۲	۳
نروژ	۲۰۰۲	۳/۹
سوئیس	۲۰۰۲	۱/۹
ایالات متحده آمریکا	۲۰۰۲	۵/۸
انگلستان	۲۰۰۲	۵/۲

به نقل از (کلاتری: ۱۳۸۴)

○ مسئله کار کودکان، تا هنگامی که فقر وجود دارد، به گونه چشمگیر کاهش نخواهد یافت. نگرانی فزاینده در این سالها، از گسترش تن فروشی و پایین آمدن سن آن در مراکز شهری است. مهمترین تلاشها برای جلوگیری از بهره کشی از کودکان، از سوی سازمان بین المللی کار (ILO) انجام می گیرد. این سازمان کنوانسیونهای گوناگونی به کشورهای عضو پیشنهاد کرده است که در آنها حداقل هجده سال سن برای استخدام کردن در همه مشاغل، حداقل سنی بالاتر برای مشاغل پرخطر، و... در نظر گرفته شده است.

سنتش با کشورهای صنعتی بالا است. از بیش از دوست میلیون کودک کارگر در جهان، سهم کشورهای صنعتی تنها ۲/۵ میلیون برآورد شده است، در حالی که این رقم برای آسیا، ۱۲۷ میلیون تن است.

افزایش بیکاری در کشورهای توسعه یافته، آنها را بر آن داشته است که به دنبال این شکاف در میان عوامل بیرونی از جمله بازرگانی نابسامان باشند. اگر کشوری اجازه دهد که کارگزارانش در شرایط سخت کاری به کار بپردازند می تواند کالاهایش را با بهای کمتری بفروشد و صادر کند؛ در نتیجه از راه غیرقانونی در برابر رقیبان بازرگانی به سودی دست می یابد. از این رو، راهکار پیشنهادی بر پایه قوانین اجتماعی، وادار کردن کشورهای رو به توسعه به رعایت حداقل حقوق کارگران و پرداخت حقوق آنان با توجه به تولیداتشان است. (Mansoor: 2004: 10-13)

این ترس که کشورهای رو به توسعه با کارگران ارزان، بازارهای رو به توسعه به شمار می آیند، درست نیست. کشورهای رو به توسعه بیشتر از اینکه کالا صادر کنند، مواد خام اولیه از کشورهای صنعتی وارد می کنند. برای نمونه، در ۱۹۹۵ صادرات کره جنوبی به جوامع صنعتی ۱۲/۳ کل

جدول ۲: نرخ بیکاری در کشورهای گوناگون جهان ۲۰۰۳

کشور	سال	نرخ بیکاری (درصد)
الجزایر	۲۰۰۲	۳۱
آرژانتین	۲۰۰۲	۲۱/۵
بنگلادش	۲۰۰۲	۴۰
کامرون	۲۰۰۱	۳۰
گینه استوایی	۱۹۹۸	۳۰
گابن	۱۹۹۷	۲۱
نوار غزه	۲۰۰۳	۵۰
کنیا	۲۰۰۱	۴۰
لیبی	۲۰۰۱	۳۰
ماریتینیک	۱۹۹۸	۲۷/۲
موریتانی	۱۹۹۹	۲۱
نامیبیا	۱۹۹۸	۳۵
نیپال	۲۰۰۱	۴۷
نیکاراگوئه	۲۰۰۲	۲۴
نیجریه	۱۹۹۲	۲۸
عربستان	۲۰۰۲	۲۵
سنگال	۲۰۰۱	۴۸
زامبیا	۲۰۰۰	۵۰
زیمبابوه	۲۰۰۰	۷۰
آفریقای جنوبی	۲۰۰۱	۳۷
تاجیکستان	۲۰۰۲	۴۰
ونزوئلا	۲۰۰۲	۱۷
تونس	۲۰۰۲	۱۵/۴
پاراگوئه	۲۰۰۲	۱۸/۲
مراکش	۲۰۰۲	۱۹
لبنان	۱۹۹۷	۱۸
ایران	۲۰۰۳	۱۶/۳
کشورهای در حال توسعه	۲۰۰۳	۳۰
کشورهای توسعه یافته	۲۰۰۳	بین ۴-۱۲ درصد

همان منبع

○ انفجار جمعیت در کشورهای رو به توسعه باعث جوانی ساختار جمعیتی این کشورها شده است. بنابراین شمار چشمگیر کودکان کارگر، از ساخت جوان این کشورها مایه می‌گیرد. این دسته از کودکان بویژه در کشورهای پر جمعیت رو به توسعه و در شهرهای بزرگ، در مکانهای ویژه جغرافیایی مانند حومه شهرها، حاشیه بزرگراهها، مناطق نزدیک به محل انباشت زباله‌های صنعتی و غیر صنعتی متمرکزند و زندگی می‌کنند و شمار آنان در دهه ۱۹۸۰، به یکصد میلیون می‌رسیده و نیمی از این جمعیت در کشورهای آمریکای لاتین می‌زیسته‌اند.

تولیدات آن کشور را تشکیل می‌داده در حالی که میزان واردات ۱۳/۹ درصد بوده است. بر سرهم، در رابطه با کشورهای صنعتی، کره جنوبی در زمینه بازرگانی کاهش ۱/۶ درصدی داشته است؛ همچنین اندونزی با کاهش ۲/۲ درصدی، مالزی با کاهش ۱۱/۸ درصدی و برزیل با کاهش ۱/۴ درصدی روبه‌رو بوده‌اند و این به آن معنی است که اگر صادرات این کشورها رو به کاهش نهد، بی‌گمان واردات آنها نیز کاهش خواهد یافت و اثری منفی بر کشورهای صنعتی خواهد داشت. کالاهای تولید شده در شرایط بد بویژه با به کارگیری کودکان، رقابتی چشمگیر میان کشورهای صنعتی و کشورهای رو به توسعه پدید نمی‌آورد. در ۱۹۹۶، ایالات متحده ۳۴/۲ میلیون دلار واردات توپ فوتبال داشته است. بنابراین تولید انبوه توپ فوتبال در کشورهای رو به توسعه بوده و آمریکا توبی تولید نکرده است. اگر هر یک از کشورهای رو به توسعه در زمینه صادرات به آمریکا تحریم شوند، این تقاضاها، متوجه یک کشور صنعتی دیگر نمی‌شود. از این رو درست نیست که بیندازیم میان کار کودکان در جهان سوم و کارگران بزرگسال

در کشورهای صنعتی رقابت وجود دارد. پژوهشهای یونیسف نشان دهنده مشارکت ۵٪ کودکان در کشورهای رو به توسعه در صنایع است. (۲۰۰۱) در حالی که ۹۵٪ کودکان در بخش صنعتی کار نمی‌کنند. بنابراین درست نیست که استانداردهای پیشنهادی کار را متوجه کار کودکان کنیم.

در ۱۹۹۵، قانون هارکین ورود کالاهای ساخته شده به دست کودکان را منع کرد. در بخش بازرگانی، تهدید تحریم اقتصادی، کودکان را اگر رفتار شرایط بدتری کرد و هیچ تضمینی برای اینکه به درس خواندن پیروزند یا به شرایط کاری بهتری دست یابند وجود نداشت. برای نمونه در بنگلادش، هنگامی که ۵۰۰۰۰ کودک کارگر بیکار شدند (پس از تصویب قانون هارکین) بیشتر آنان به مدرسه بازنگشتند، بلکه به دستفروشی و تن فروشی رو کردند. وضع اقتصادی خانواده‌ها نیز با این شرایط بدتر شد. بنابراین تحریم‌های بازرگانی بیشتر به سرپوش نهادن بر مسئله می‌ماند تا راهکاری برای حل آن. (همان)

کار کودک در آغاز اصطلاحی بود، به معنای به کارگیری کودکان در کارخانه‌ها. اما این اصطلاح اکنون به کارهایی که کودکان انجام می‌دهند، بویژه کارهایی که از درس خواندن آنان جلوگیری می‌کند یا برای سلامتشان زیان‌بار است، گفته می‌شود. کار کودک تا زمان تعریف سیستم کارخانه بعنوان یک معضل اجتماعی شناخته نمی‌شد. بر پایه عرف جهانی، کودکان زیر ۱۵ سال، جمعیت یکسره مصرف کننده به‌شمار می‌آیند. (سید میرزایی: ۱۳۷۸: ۱۴)

هر گونه واداشتن کودکان به انجام دادن کاری که تکراری است و ربطی به رشد روحی آنان ندارد، کار اجباری شمرده می‌شود. (یثربی: ۲۰۰۵: ۳)

مسئله کار کودکان، تا هنگامی که فقر وجود دارد، به گونه چشمگیر کاهش نخواهد یافت. نگرانی فزاینده در این سالها، از گسترش تن فروشی و پایین آمدن سن آن در مراکز شهری است. مهمترین تلاشها برای جلوگیری از بهره‌کشی از کودکان، از سوی سازمان بین‌المللی کار (ILO) انجام می‌گیرد. این سازمان کنوانسیون‌های گوناگونی به کشورهای عضو پیشنهاد کرده است که در آنها حداقل هجده سال سن برای استخدام کردن در همه مشاغل، حداقل سنی بالاتر برای مشاغل پرخطر، و... در نظر گرفته شده است. در اواخر سده بیستم بدترین انواع کار کودکان از جمله بردگی، تن فروشی و اسارت در برابر بدهی نیز به فهرست مشاغل زیان‌آور افزوده شد.

زندگی می کنند. هیچ کشوری از پدیده کار کودکان در امان نیست. ۲/۵ میلیون کودک کارگر در کشورهای صنعتی و پیشرفته به سر می برند. (همان)

بیشتر کودکان کارگر در بخش غیر رسمی کار می کنند، بی آنکه از پشتیبانی قانونی برخوردار باشند. (همان)

● ۷۰٪ در بخش کشاورزی، شکار تجاری و ماهیگیری یا جنگلداری

● ۸٪ در کارخانه‌ها

● ۸٪ در بخش عمده فروشی و خرده فروشی، رستوران و هتل

● ۷٪ در خدمات شخصی و اجتماعی مانند کار خانگی

● ۸/۴٪ میلیون کودک در دام برده‌داری گرفتارند:

قاجاق و فحشاء

● ۱/۲٪ میلیون از این کودکان قاجاق و خرید و فروش می شوند.

عوامل مؤثر در اشتغال کودکان

با وجود قوانین بین‌المللی، کار کودکان در جهان امروز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی نگران‌کننده خودنمایی می کند. بر خورد غیر انسانی دولت‌ها با این پدیده و چشم بستن بر آن، علت اساسی پایداری این پدیده است. بر پایه همه تعریف‌ها در سطح جهانی، کودکان زیر ۱۵ سال مصرف‌کننده محض به‌شمار می آیند زیرا این گروه سنی یکسره باید به درس خواندن بپردازند؛ اما واقعیت این است که گاهی نه تنها کودکان زیر ۱۵ سال، بلکه کودکان زیر ۱۰ سال نیز کار

کودکان بخش مهمی از جمعیت یک جامعه به‌شمار می آیند و اهمیت آنان هم جنبه کمی و جنبه کیفی دارد؛ زیرا قاعده گسترده هرم سنی با چگونگی شکل‌گیری شخصیت و نتایج فرایند جامعه‌پذیری کودکان، در ساختار جامعه اثرگذار است. عوامل بسیاری از جمله تنگدستی، بی‌سوادی، بدی تغذیه، نبود توان‌چانه‌زنی و... در سرنوشت کودکان در جامعه نقش دارد که شدت و ضعف این عوامل از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. این پرسش‌های اساسی مطرح است که «وضع کودکان در جهان سوم چگونه است؟» و «چه شرایطی کودکان را به بازار کار می‌راند؟» انفجار جمعیت در کشورهای رو به توسعه باعث جوانی ساختار جمعیتی این کشورها شده است. بنابراین شمار چشمگیر کودکان کارگر، از ساخت جوان این کشورها مایه می‌گیرد. این دسته از کودکان بویژه در کشورهای پرجمعیت رو به توسعه و در شهرهای بزرگ، در مکان‌های ویژه جغرافیایی مانند حومه شهرها، حاشیه بزرگراه‌ها، مناطق نزدیک به محل انباشت زباله‌های صنعتی و غیرصنعتی متمرکزند و زندگی می‌کنند و شمار آنان در دهه ۱۹۸۰، به یکصد میلیون می‌رسیده و نیمی از این جمعیت در کشورهای آمریکای لاتین می‌زیسته‌اند.

(W.H.O: ۱۹۸۷)

بهره‌کشی از کودکان پدیده‌ای جهانی است و صورت و نوع آن بسته به ویژگی‌های کشورها، متفاوت است. در میان کشورهای اروپایی، ایتالیا کشوری است که بهره‌کشی از کودکان در آن چشمگیر است و بر پایه برآورد یونسف این رقم در دهه ۸۰ به نیم میلیون تن می‌رسیده است. (سیدمیرزایی: ۱۳۷۸: همان)

از هر شش کودک در جهان، یک تن کار می‌کند. کار کودکان در جوامع صنعتی و بسیاری از بخش‌های جهان وجود دارد، اما بیشترین حجم کار کودکان در بخش کشاورزی است. برخی کودکان خیابانی‌اند؛ گروهی کارهای خانگی می‌کنند؛ شماری نیز در کارخانه‌ها مشغولند. همه کودکانی که کار می‌کنند، بختی برای «کودکی» واقعی ندارند. (ILO: ۲۰۰۵)

بر پایه آمارهای سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۵، ۲۴۶ میلیون کودک کار می‌کرده‌اند و از این تعداد ۷۳ میلیون تن کمتر از ۱۰ سال داشته‌اند. هر سال ۲۲۰۰۰ کودک بر اثر کار کردن می‌میرند. بیشترین شمار کودکان کارگر یعنی ۱۲۷ میلیون تن ۱۴ و کمتر از ۱۴ سال دارند و در آسیا

○ از هر شش کودک در جهان، یک تن کار می‌کند. کار کودکان در جوامع صنعتی و بسیاری از بخش‌های جهان وجود دارد، اما بیشترین حجم کار کودکان در بخش کشاورزی است. برخی کودکان خیابانی‌اند؛ گروهی کارهای خانگی می‌کنند؛ شماری نیز در کارخانه‌ها مشغولند. همه کودکانی که کار می‌کنند، بختی برای «کودکی» واقعی ندارند.

جدول ۳: کار کودکان ۵-۱۴ ساله در کل جهان

کودکان	کار کودکان (میلیون) (۱)	کودکان در کار سخت و خطرناک (۲)	جمعیت کودکان (میلیون) (۳)	نسبت مشارکت کار کودکان (۲) (۳)	میزان مشارکت در کار سخت و خطرناک
پسر	۹۷/۸	۶۱/۳	۶۱۶/۴	۱۵/۹	۹/۹
دختر	۸۸/۵	۵۰	۵۸۳/۱	۱۵/۲	۸/۶
جمع	۱۸۶/۳	۱۱۱/۳	۱/۱۹۹.۴	۱۵/۵	۹/۳

منبع: ILO (۲۰۰۲)

جدول ۴: کار کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله

	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰
جهان	۸/۴۴	۱۱/۳۲	۱۳/۰۲	۱۴/۶۵	۱۹/۹۱	۲۳/۳۰	۲۴/۸۱	۲۷/۵۷
آفریقا	۲۲/۵۲	۲۴/۹۲	۲۶/۲۳	۲۷/۸۷	۳۰/۹۷	۳۳/۰۵	۳۵/۸۸	۳۸/۴۲
آمریکای لاتین و کارائیب	۵/۴۷	۸/۲۱	۹/۷۷	۱۱/۲۳	۱۲/۶۴	۱۴/۶	۱۶/۵۳	۱۹/۳۶
آسیا	۵/۶	۱۰/۱۸	۱۲/۷۷	۱۵/۱۹	۲۳/۴۲	۲۸/۳۵	۳۲/۲۶	۳۶/۰۶
اروپا	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۴۲	۱/۶۲	۳/۵۲	۶/۴۹
انیمبی	۳۸/۷۹	۴۱/۱۰	۴۲/۳۰	۴۳/۴۷	۴۶/۳۲	۴۸/۵۱	۵۰/۷۵	۵۲/۹۵
برزیل	۱۰/۹۴	۱۴/۳۹	۱۶/۰۹	۱۷/۷۸	۱۹/۰۲	۲۰/۳۳	۲۲/۱۹	۲۳/۵۳
چین	۰/۰۰	۷/۸۶	۱۱/۵۵	۱۵/۲۴	۳۰/۴۸	۳۹/۰۳	۴۳/۱۷	۴۷/۸۵
هند	۷/۴۶	۱۲/۰۷	۱۴/۳۷	۱۶/۶۸	۲۱/۴۴	۲۵/۴۶	۳۰/۰۷	۳۵/۴۳
ایتالیا	۰/۲۷	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۴۳	۱/۵۵	۴/۱۲	۱۰/۹۱	۲۹/۱۱

منبع: ILO (۱۹۹۶)

رقم‌های مربوط به سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۰۰ نیز برآورد شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۶- نرخ بالایی رشد جمعیت و ساختار بد اقتصادی - می‌کنند.

اجتماعی. (سید میرزایی؛ پیشین)

۷- نبود نظام تأمین اجتماعی.

بسیاری از کودکان، کار و درس خواندن را همزمان تجربه می‌کنند. این مسئله بویژه هنگامی که کار به صورت کشاورزی یا خانوادگی است، بیشتر روی می‌دهد.

وضع کار کودکان در ایران

بر پایه آمارهای رسمی سرشماری ۱۳۷۵، ۹۸۰۰۶۷۶ تن از جمعیت ایران ۶ تا ۱۰ ساله و از این شمار، یک میلیون و ۸۶۰ هزار و ۱۳ تن از امکانات تحصیلی محروم بوده‌اند.

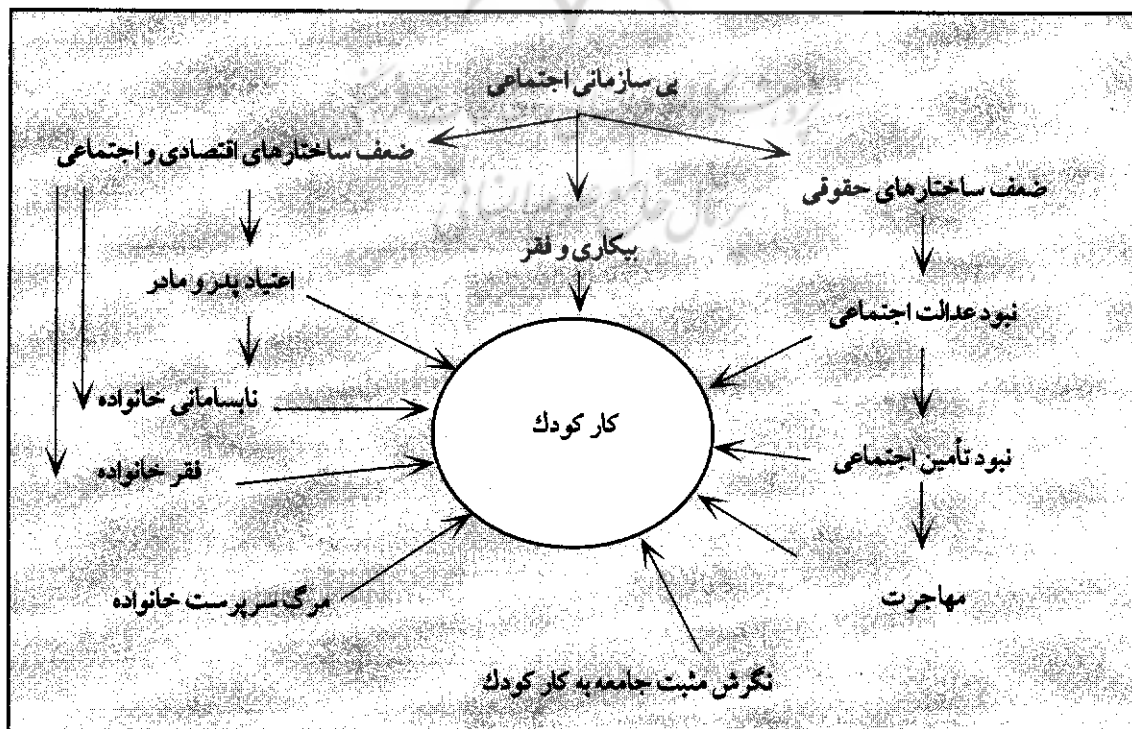
- عوامل مؤثر بر اشتغال کودکان:
- ۱- نگرش مثبت جامعه به کار کودکان؛
 - ۲- بیکاری چشمگیر جمعیت فعال؛
 - ۳- ناتوانی اقتصادی لایه‌های تنگدست جامعه از فرستادن کودکان خود به مدرسه و آموزش دادن آنان؛
 - ۴- نارسایی قوانین کار یا درست اجرا نشدن آن. (تنها در ناپل ایتالیا، پنجاه هزار کودک در سن‌های پایین به کار گرفته شده بوده‌اند). (Unicef, 1990)
 - ۵- ناتوانی نظام سیاسی و دولت در برخورد جدی با این پدیده؛

○ بر پایه آمارهای سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۵، ۲۴۶ میلیون کودک کار می‌کرده‌اند و از این تعداد ۷۳ میلیون تن کمتر از ۱۰ سال داشته‌اند. هر سال ۲۲۰۰۰ کودک بر اثر کار کردن می‌میرند. بیشترین شمار کودکان کارگر یعنی ۱۲۷ میلیون تن ۱۴ و کمتر از ۱۴ سال دارند و در آسیایزندی می‌کنند.

خانه‌دار هستند و بخشی نیز در مزارع و کشتزارها، کارگاه‌های تولیدی کوچک خانوادگی و... کار می‌کنند در آمارهای رسمی منظور نشده‌اند. بر پایه آمارهای رسمی، در ایران ۱۸۰۰۰۰۰ کودک کار می‌کنند. یونسف در گزارش خود درباره ایران آورده است که ۱۳ درصد کودکان ۶ تا ۱۴ ساله ایرانی کار می‌کنند و به مدرسه نمی‌روند. بر پایه نتایج

کمیابیش ۲۰ درصد، یعنی از هر ده کودک ایرانی، دو تن توانایی درس خواندن نداشته‌اند. همچنین به گزارش وزارت آموزش و پرورش، شمار دانش‌آموزان ۶ تا ۱۹ ساله ۱۳۴/۲۰۶۱۷ نفر بوده که پنج میلیون و ۱۸۱ هزار و ۲۳۵ تن از آنان از امکانات تحصیلی محروم بوده‌اند؛ به سخن دیگر، کمیابیش ۳۰ درصد از کل دانش‌آموزان؛ یعنی از هر هفت دانش‌آموز دو تن امکان تحصیل نداشته‌اند. همچنین از گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله نزدیک به ۳۶۸ هزار و ۳۱ کودک شاغل و ۳۶۶ هزار و ۴۷۵ کودک با وضع نامشخص اعلام شده‌اند. در گروه ۱۵-۱۹ ساله نیز یک میلیون و ۴۵۷ هزار و ۱۴۹ تن شاغل بوده‌اند که بیشتر آنان در بخش‌های صنعت، کشاورزی، خرده‌فروشی، ترابری و تعمیرات کار می‌کرده‌اند. آنچه در بالا آمد، آمارهای رسمی است که با واقعیت‌های کنونی در جامعه فاصله دارد. همچنین در آمارهای ایران به کودکان خیابانی و کودکانی که به کارهای کاذب می‌پردازند و دیگر کودکانی که هم درس می‌خوانند و هم به گونه نیمه وقت کار می‌کنند، اشاره نمی‌شود. بخشی از کودکانی که کار می‌کنند شناسایی نشده‌اند. نزدیک به ۱۶۰۰۰۰۰ دختر ۱۰ تا ۱۹ ساله که ازدواج کرده‌اند و

نمودار تحلیلی علل کار کودکان



در مناطق روستایی درصد فعالیت کودکان بیشتر است، اما درصد فعالیت‌های پیش‌سرس گروه ۱۴-۱۰ ساله در ایران رو به کاهش است:

روند کاهشی میزان اشتغال به کار گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله با اشتغال به تحصیل و افزایش درصد تحصیل این گروه سنی مرتبط است؛ از سرشماری ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵، اشتغال به تحصیل گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله روند افزایشی داشته است؛ هر چند مردان در سنجش با زنان، بیشتر به تحصیل پرداخته‌اند:

گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله آرام آرام از اشتغال زودرس فاصله گرفته و به تحصیل روی آورده است. در این دوره ۳۰ ساله، گرچه میزان تحصیل دو جنس افزایش یافته است، اما تا سال ۱۳۷۵، ۸۷٪ پوشش تحصیلی داشته‌اند و ۱۳٪ از تحصیل محروم بوده‌اند. این درصد نشان دهنده زمینه‌سازی برای اشتغال کودکان به کار در ایران است. در سه سرشماری اول ایران، جمعیت ده ساله و بالاتر بعنوان جمعیت بالقوه فعال در نظر گرفته شده بود، اما در سرشماری ۱۳۶۵ جمعیت بالقوه فعال را از ۶ سال به بالا در نظر گرفته‌اند زیرا بسیاری از کودکان در روستاها و مناطق محروم شهری کار می‌کنند. با وجود غیرقانونی بودن کار کودکان، در سرشماری‌ها به گونه رسمی آمار اشتغال کودکان ثبت شده است. در سرشماری ۱۳۶۵ اشتغال گروه سنی ۹-۵ ساله، ۶ درصد و میزان فعالیت گروه سنی ۱۴-۱۲ ساله ۱۰/۹ درصد و گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله ۳۰/۹ درصد بوده است. (توسلی: ۱۳۷۵)

بر پایه آمارهای رسمی سرشماری ۱۳۶۵ در گروه سنی ۱۴-۶ ساله، ۳۱۵ هزار تن کار می‌کرده‌اند که در آن سرشماری کل شاغلان کشور، ۱۱ میلیون بوده است. این رقم به علت در نظر گرفته نشدن گروه سنی زیر ۶ سال و معرفی کودکان کار بعنوان دانش آموز، بسیار کمتر از میزان واقعی است. در سرشماری ۱۳۷۵، از شاغلان ۹-۶ ساله سخن نرفته اما شمار کارگران ۱۴-۱۰ ساله ۲۶۴ هزار تن گزارش شده است و نزدیک به ۱۰۴ هزار تن از این گروه نیز در رده بیکاران تعریف شده‌اند. برآورد این است که در آن سال شمار کارگران ۱۲-۶ ساله کمابیش ۴۰۰ هزار نفر بوده است. (رئیس دانا: ۱۳۸۰)

با توجه به میزان افت تحصیلی و ترک تحصیل گزارش شده (به گونه حضور نامنظم در مدارس) رقم ۴۰۰ هزار نفر را نیز می‌توان تا دو برابر بالا برد. (همان)

سرشماری ۱۳۷۵، بیش از ۸ درصد از کودکان ۶ تا ۱۰ ساله از درس خواندن محرومند. این رقم برای گروه سنی ۱۴-۱۱ ساله، ۱۴/۵ درصد بوده و در مناطق روستایی برای گروه سنی ۱۰-۶ ساله بیش از ۱۲ درصد و برای گروه سنی ۱۴-۱۱ ساله ۲۶/۵ درصد گزارش شده است. (رئیس دانا: ۱۳۸۰) جدول شماره ۵ درصد اشتغال گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله در ۱۳۷۵ را در شهر و روستا و با توجه به جنسیت نشان می‌دهد:

جدول ۵: درصد فعالیت و اشتغال گروه سنی

۱۴-۱۰ ساله - ۱۳۷۵

سن	مرد		زن	
	شهر	روستا	شهر	روستا
۱۰-۱۴	۲/۸	۸/۶	۱/۰	۶/۰

منبع: امامی: ۱۳۸۰: ۱۳۶

جدول ۶: تحول اشتغال به کار ۱۴-۱۰ ساله‌ها

در طول ۳۰ سال سرشماری

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
مردان	۳۶	۱۸	۱۱	۵
زنان	۱۴	۱۱	۴	۳

جدول ۷: اشتغال به تحصیل گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله

سال سرشماری	مردان	زنان	دوجنس
۱۳۴۵	۵۹	۳۲	۴۶
۱۳۵۵	۷۹	۵۴	۶۷
۱۳۶۵	۸۲	۶۴	۷۳
۱۳۷۵	۹۱	۸۳	۸۷

جدول ۸: توزیع نرخ مشارکت اقتصادی گروه سنی

۱۴-۱۰ ساله - ۱۳۸۱

سن	نقاط شهری		نقاط روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن
۱۰-۱۴	۲/۱	۰/۴	۵/۲	۳/۴

منبع: مرکز آمار ایران

جدول ۹: میزان مشارکت کودکان در کارهای اقتصادی در آسیا

کشور	جمعیت کل	جمعیت زیر ۱۵ سال به کل	کودکان کارگر ۵-۱۴	کل کودکان ۵-۱۴
بنگلادش	۱۴۳/۸	۳۸/۳	۵/۰۵	۳۵/۰۶
هند	۱/۰۴۹/۵	۳۳/۳	۱۱/۲	۲۱۰
نیپال	۲۴/۶	۴۰/۲	۱/۶۶	۶/۲۲۵
پاکستان	۱۴۹/۹	۴۱/۵	۳/۳	۴۰
سری لانکا	۱۸/۹	۲۵	۰/۴۷۵	۳/۱۸

منبع: گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۴

۲۰۰۳، این طرح میزان اشتغال کودکان را نزدیک به ۱ درصد کاهش داد. برآورد می‌شود که در صنایع فرش پاکستان بیش از ۲۰۶ هزار کودک به گونه‌ی تمام وقت کار کنند. (ILO: ۲۰۰۵)

بررسی رابطه کار کودکان

و شاخص توسعه انسانی

به علت تفاوت در ساختار اقتصادی-اجتماعی کشورهای توسعه یافته و رو به توسعه، نوع و میزان کار کودکان در این کشورها یکسان نیست. در کشورهای جهان سوم، به علت جمعیت انبوه و ساختار اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی آسیب‌پذیر و بی‌ثبات، پدیده کار کردن کودکان بسیار چشمگیر است.

جدول زیر نشان دهنده برآورد فعالیت اقتصادی کودکان

جدول ۱۰: برآورد فعالیت اقتصادی کودکان

۱۴-۱۵ ساله در ۲۰۰۰

مناطق	شمار کودکان شاغل (میلیون)
کشورهای توسعه یافته	۲/۵
کشورهای با اقتصاد در حال گذری	۲/۴
آسیا	۱۲۷/۳
آمریکای لاتین	۱۷/۴
آفریقا	۶۱/۴
جمع	۲۱۱

منبع: برآورد ILO ۲۰۰۰-۲۰۰۱

ارقام مربوط به سال ۱۳۸۱، نشان دهنده روند کاهشی این پدیده است:

با سنجش ارقام مربوط به سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱ روند کاهشی کار کودکان دیده می‌شود. گفتنی است که مهار شدن جمعیت و کاهش میزان رشد آن از عوامل مؤثر بر روند کار کودکان در ایران بوده است.

کار کودکان در جنوب آسیا

بر پایه داده‌ها برآورد می‌شود که ۲۱/۶ میلیون کودک ۵-۱۴ ساله از ۳۰۰ میلیون کودک در گروه سنی ۵-۱۴ ساله در جنوب آسیا، کار می‌کنند. عوامل مؤثر بر کار کردن کودکان در جنوب آسیا عبارت است از: ناداری و بی‌سوادی پدر و مادر، شرایط اقتصادی-اجتماعی، نبود آگاهی، دسترسی نداشتن به آموزش و مهارت‌های اساسی و کیفی و میزان بالای بیکاری بزرگسالان، نگرش‌های مربوط به کار کودکان. در جنوب آسیا، کودکان در نخستین سالهای زندگی به بزرگسالی می‌رسند و از بچه‌های زیر ده سال انتظار می‌رود کار بدنی همانند بزرگسالان انجام دهند.

کار کودکان در صنایع صادراتی

در جنوب آسیا، بسیاری از کودکان کارگر در صنایع صادراتی به کار پرداخته‌اند. صنایع صادراتی اصلی عبارت است از: فرش و کفش در پاکستان و هند، ابزارهای جراحی در پاکستان و لباس در بنگلادش. در ۱۹۹۵، بیش از اجرای پروژه یونیسف و سازمان بین‌المللی کار در بنگلادش، نزدیک به ۴۳٪ کارگران در بخش پوشاک، کودکان بوده‌اند. در

جدول ۱۱: درصد کار کودکان و شاخص توسعه انسانی - ۲۰۰۱-۲۰۰۰

کشور	درصد کودکان کارگر	شاخص توسعه انسانی
جهان	۱۱/۳۲	۰/۷۲
آفریقا	۲۴/۹۲	۰/۵۵
آمریکای لاتین و کارائیب	۸/۲۱	۰/۷
آسیا	۱۰/۱۸	۰/۵۷
اروپا	۰/۰۴	۰/۷
انتیوی	۴۱/۱۰	۰/۳۵۹
برزیل	۱۴/۳۹	۰/۷۳۸
چین	۷/۸۶	۰/۷۲۱
هند	۱۲/۰۷	۰/۵۹
پاکستان	۴/۳	۰/۴۹
سری لانکا	۱/۴	۰/۷۳
بنگلادش	۶/۰۵	۰/۵۰۲
ایران	۱/۳	۰/۷۱۹
ایتالیا	۰/۳۳	۰/۹۰۰

۵-۱۴ ساله در سال ۲۰۰۰ است:

بر پایه این جدول، بالاترین میزان اشتغال کودکان در آسیا بوده است. اگر میزان توسعه انسانی را با درصد مشارکت کودکان در زمینه‌های اقتصادی پیوند دهیم، می‌توان به رابطه میان سطح توسعه جوامع با میزان کار کودکان پی برد. این رابطه در چارچوب ضریب همبستگی به آزمون گذاشته شده است:

$H_0 =$ میزان کار کودک با ضریب توسعه انسانی رابطه معکوس ندارد.

$H_1 =$ میزان کار کودک با ضریب توسعه انسانی رابطه معکوس دارد.

برای آزمون فرضیه، ضریب همبستگی به کار برده شده است. نتیجه آزمون در سطح معنی داری $\alpha = 0/05$ ، $r = -0/573$ است؛ یعنی میان میزان کار کودکان و سطح توسعه رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ هرچه سطح توسعه بالاتر باشد، میزان کار کودکان پایین تر است.

نتیجه گیری

دگرگونیهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جوامع،

در کنار پیامدهای مثبت، پیامدهایی منفی نیز دارد که پدیده کار کودکان یکی از آنهاست. در کشورهای رو به توسعه، به علت ناهمخوانی بافت اقتصادی - اجتماعی با پیشرفت‌ها، زنان و کودکان آسیب‌پذیرند و زودتر و بیشتر دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند. از این رو لازم است که در این کشورها نظام حقوقی و نظام تأمین اجتماعی همگام با دگرگونیهای اجتماعی، برای پیشگیری از آسیب‌های احتمالی به کار افتد. بیکاری فزاینده در کشورهای جهان سوم و تا اندازه‌ای در کشورهای پیشرفته، زمینه اشتغال کودکان در بازار کار را فراهم کرده است. جامعه‌شناسان کار کردگرا تأکید می‌کنند که کار در ارتباط با سازمان اجتماعی کنونی مطرح می‌شود. از دید دورکیم، سازمان اجتماعی کنونی روندهای تازه‌ای را نمایش می‌دهد که گستردگی آنها باعث افزایش تنگدستی کارگران، تضادهای اجتماعی، فردگرایی زیان‌آور، آنومی‌ها و... در جهان اقتصادی امروز شده است. یکی از پیامدهای پیدایش آنومی‌ها در جهان امروز، کار کودکان به گونه‌های تازه است.

سازمان اجتماعی امروز، زمینه بی‌سازمانی در روابط

پژوهش‌کننده امور اقتصادی
 - گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۱
 - لاکوست، ایو (۲۵۳۶)، جهان سوم و پدیده کم‌رشدی، ترجمه:
 (منیر جزینی)، انتشارات امیرکبیر
 - مرکز آمار ایران، (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی
 نفوس و مسکن کل کشور، تهران.
 - مرکز آمار ایران، (۱۳۸۱)، آمارگیری لزویژگی‌های اشتغال و
 بیکاری خانواده در تهران
 - مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه (۱۳۸۱)،
 تحولات اخیر و آینده جمعیت ایران.
 - مقالات منتخب (۱۳۶۸)، اشتغال در جهان سوم، مترجم: احمد
 خزایی، تهران: وزارت برنامه و بودجه
 - مقالات لوئین همایش ملی آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران
 (۱۳۸۱)، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلد یکم و پنجم.

- Cigo, Allesandro, Furio Rosati and Lorenzo Guarcello (2002).
- “Does Globalization increase Child Labour?“, *World Development*, Vol. 10, pp. 1579-89.
- **Human Development Report**, 2003.
- **IPEC/SIMPOC (2002). Every Child Counts. New Global Estimates On Child Labour.** Geneva: International Labour Office.
- International Organisation of Employers(2001).
- Lieten, GK (2003), “Globalisation and Childlabour: Possible Consequences”. Conference Paper. Germany.
- Mansoor, F (2004), ‘The WTO Versus the ILO and The Case of Child labour’ 2 Web JCLI.
- UNICEF International Child Development Center (2005).

منابع اینترنتی:

- [Http:// www. ILO. org](http://www.ILO.org)
- [Http:// www. unescap. org](http://www.unescap.org)
- [Http:// www. Worldbank. org](http://www.Worldbank.org)
- [Http:// www. Unicef. org](http://www.Unicef.org)
- [Http:// www. Childinfo. org](http://www.Childinfo.org)
- [Http:// www. UCW - Project. org](http://www.UCW-Project.org)
- [Http:// www. W.H.O. org](http://www.W.H.O.org)
- [Http:// www. bbc. co. UK](http://www.bbc.co.UK)
- [Http:// www. irsprc. org](http://www.irsprc.org)
- [Http:// www. aihrc. org](http://www.aihrc.org)
- [Http:// Webjcli. ncl. ac. uk/ 2004/issue2/ mansoor2. html](http://Webjcli.ncl.ac.uk/2004/issue2/mansoor2.html)

اجتماعی و کاری را فراهم کرده است. کار کردن میلیونها کودک در گوشه و کنار جهان در رشته‌های سخت و زیان‌آور، نماد عینی آتومی و تهیدستی است. در جهان سوم، در سایه سنگین بیکاری و به هم ریختگی ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، چگونگی کار کودکان و میزان آن با کشورهای صنعتی متفاوت است. نبود نظارت و نارسایی قوانین کار در کشورهای رو به توسعه زمینه مساعدی برای کار اجباری کودکان در زمینه‌های زینت‌بار و شرم‌آوری چون تن‌فروشی، قاچاق و... فراهم کرده است. در این زمینه لازم است بر نقش دولت‌ها و سهل‌انگاری و سستی آنها در برخورد با پدیده کار کودکان که بستر ساز استمرار و افزایش دامنه این پدیده است، انگشت گذاشته شود. دولت‌ها در کشورهای توسعه یافته به این نتیجه رسیده‌اند که بهره‌گیری از کودکان بعنوان نیروی کار ارزان در مبادلات بازرگانی و صنعتی سودمند نیست و از همین رو درصد کار کودکان در این کشورها، کاهش چشمگیری در سنجش با کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد. پژوهش‌های ILO (۲۰۰۳:۱۰) نشان دهنده کاهش میزان کار کودکان است. میزان کار کودکان در کشورهای توسعه یافته و رو به توسعه در ۱۹۹۵ بیست و چهار درصد بوده و در سال ۲۰۰۰ بیست درصد شده است (ILO: ۲۰۰۲: ۱۹) و این، نشان دهنده ارتباط میان کار کودک و شاخص توسعه انسانی در کشورهای صنعتی و جهان سوم است. آزمون فرضیه با بهره‌گیری از ضریب همبستگی، نشان دهنده رابطه معکوس میان کار کودک و شاخص توسعه انسانی در کشورها است. به سخن دیگر، هرچه سطح توسعه یافتگی بالاتر باشد، میزان کار کودکان کمتر است.

منابع:

- امانی، مهدی، (۱۳۸۰): جمعیت‌شناسی عمومی ایران، تهران: سمت.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: سمت.
- رئیس‌دانا، فریبرز، (۱۳۸۰)، بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی ایران، انتشارات علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سید میرزایی، سید محمد (۱۳۷۸)، «کودکان آسیب‌پذیر شهری»، فصلنامه جمعیت، شماره ۲۷ و ۲۸.
- کلاتری، صمد (۱۳۸۴) نگاهی نو به مسائل جهان سوم، تهران: